

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیة (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ مجبی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

هفتاد و دو روز

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
دو طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطره
دو قران است

(روزنامه یومیة من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

پنجمه ۲۳ ذی القعدة ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۳ دیمه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ دسمبر ۱۹۰۷ میلادی

برخیز تا بگردیم در هر دیار و کوئی
شاید که باز یابیم در ملک چاره جوئی
حالت حاله این بدبخت ملت نه باندازه قرین ذلت
و هلاکت است که بتوان باین زودیا امید آسایش و
خیال راحت برای این یکمشت رعیت تصور نمود
شیرازه امور نه چنان از هم کسبخته و پاشیده که بسین و
آسانی بتوان منظم و مرتب کرد آثار حزن و ملال
از جبهه ملت پیدا و غبار فنا و زوال بر چهره مملکت
هویدا طریق نجات ناپیدا سبب هلاکت آماده شرف
در شرف زوال اختر سعادت در حوض وبال دشمن
بی باکانه غنیم متظر بهانه فرصت کم وقت تنگ غفلت
بسیار خلق بیکار معلوم نیست که سرانجام این ملت بیچاره
بچه انجمد و عاقبت این مملکت بکجا کشد بیمار سخت
مرض شدت درد معلوم دوام معین علاج آسان ولی
کوان طیب شافی و پرستار کافی که از روی دلسوزی
و حمت وطنی و غیرت اسلامی نوشداروی اتفاق و تریاق
یکانگی و در این دم نزع بکام این مریض ریزد و نسخه
مغرب عدل و مساوات و نظم و سیاست را اعمال کرده
توقع اجرا گذارد و در این دم آخرین نفس واپسین
باستعمال شربت نافه که حکیم علی الاطلاق در شفاخانه
شرع تهیه و قانون استعمالش را نیز داده این مرض
ممالک را از جسم بیمار ملک و ملت بیرون کرده رنگ
زعفرانی و قامت کانیس را چون گل سرخ و چه سرو
موزن نماید و بنهاند که این بیطاران بی وقوف و
پرستاران بی دیانت که دستی از آستین بدر آورده و
انظار دلسوزی میکنند دانسته میخواهند این مریض را
بهاکت اندازند و عمدا تلفش کنند سم قاتل را بکامش

میچشاند و در آخر مارا بیزایش می نشاند راه را از
چاه بدانید و دوست را از دشمن بشناسید عجب بدبخت
مردمی هستیم ما در آن حال که فنا و زوال مارا از جنوب
و شمال دوا سبه استقبال میکند و باید بسنی و قوه اتحاد
و حمت اسلامی دست بدست یکدیگر داد ده این سبیل
سیال را سدی بندیم ورشته قومیت و ملیت خود را محکم
کنیم مگر کلیم غرق شده خود را از این گرداب هولناک بیرون
بریم چند نفر لثیم ذی الطبع که بوی شرف بشامشان نرسیده
و درک لذت استقلال را نکرده اند از بی ناموسی و
بی تنگی محض جلب ذخایر و نفع شخصی بمان افتاده
بعضی با سم دلسوزی دین و گروهی بعنوان دولت خواهی
و شاه پرستی جنک خانگی بر پامی کنند و نزاع
حیدری نعمتی بمان می اندازند تخم نفاق میکارند و نهال
غرض می نشاندند برای اینکه این دو روزه عمر نحس
خود را کیف ما بشاؤن بسر برند و از کشته خویش نمر
گیرند و حال آنکه اعمال و افعال آنان شهادت میدهند که
این حرکات دلیل است بر دشمنی دولت و سلطنت و ذلت
مسلمانان و اسلامیت چه این حرکات جز دعوت بیکانه باین
خانه نتیجه ندهد و غیر از تسلط اجانب باین دین
و مذهب ثمری نبیند این دولتخواه و قتی که ذکر
مجلس شوری میشود هنوز مجلسی بمان نیامده بگوید
اگر چنین کاری بشود من با حنجر شکم مجلسیان و
مجلس خواهان را باره میکنم اینها میخواهند از اقتدار
سلطنت بکاهدند من شاهسوم و صاحب غیرت شمارا
بخدا غیرت این مرد را تماشای کیفش جاعت و بهادریش را
به بیند که غرض را در بر هم زدن سعادت و استقلال
سلطنت غیرت مینماید و دولت خواهی مینماید

خوشا بحال ایرانیان با این بهادران غیور مجلسیایکه
میخواهند بعظمت و اقتدار سلطنت بر دیگران فخریه
کنند و بزرگی و استقلال دولت بیفزایند شکم پاره
می کنند صد رحمت بدوستی حضرت... بعینه مثل
هانست دولت خواه ما میگوید چه معنی دارد که شاهنشاه
ایران چون امپراطور جوان بخت زاپون صاحب
قدرت و نفوذ باشد و نام مبارکش در ملک داری ورعبت
پروری زیب صفحات تاریخ گردد و تاقیامت بخوبی بناید
سلطنت ایران اسم بیسمی باشد و اسیر دست ما چند نفر مستبد
دولت کش بناید. اگر بگویم از روی تفهیمی و بی
اطلاعی است هرگز عقل قبول نمیکند که در دنیا کسی
باشد که درک حیات را نکرده باشد. کسیکه سفر فرنگ
رفته و اقتدار دولت مشروطه را دیده و عظمت سلاطینش را
یا فته و خرابی ممالک مستبده مستقله و خوف و جبن
پادشاهانش را دیده چگونه منکر حیات میشود اینهمه
آثار عظیم را که از برکت مشروطیت دیده و شنیده
چگونه در پی تحریب این اساس بر میاید و خود را
دولت خواه جلوه میدهد چطور میشود که تفهم
فرضا که تفهیم آدم باین تفهیمی بچه درد ملک و ملت
میخورد. چگونه فهمید که انسان وقتیکه بطهران
میاید و از عدم استطاعت در یک خانه ماهی ده تومان
کرایه می نشیند میتواند کاری کند که در عرض هشت
نه سال صاحب بیست کرور ثروت شود و بعد از همه
کوته مصارف زیادی از ثروت که از خون رعیت حاصل
کرده محض ریا و سعه یک حسینیه بسازد که بیست هزار
تومان تمام شود و همه ساله پیش از چهار پنج هزار
تومان محض ریا و همچشمی و اسم در کردن مخارج
تعزیه کند و اسباب تقرب بسیدالشهدا داند در صورتی
که اولاد آن بزرگوار صد صد هزار هزار از کرسی
ببرند یا بعسرت سر ببرند و کسی بنادشان نرسد پس
این گونه غیرتمند شاه پرست میخواهد آب رفته خود را
بجوی آورد و عرض شوم خود را باین اسم جلوه می
دهد در بند دولت نیست غصه سلطنت را نمیخورد فکر
ملت نیست نام نیکرا نمیداند چیست دیگر این دشمن
ملک و ملت فکر نمیکند که بانداختن این انقلابات و
مشتمل کردن آتش فتنه و طغیان و فتنای بین دولت
و ملت و سلب امنیت و اطمینان علاوه بر اینکه بارزو
و آماج خود نخواهد رسید شرف قومی و سلطنت
ملیرا بیاد میدهد بیکانگاری بهانه بدست می افتد و
ملک از دست میرود خدا نکرده اگر چنین شود باز
زیان عظیم و خطر بزرگ اوراست رعیت در رعیتی خود
آسوده و تاجر در تجارت خویش باقیست بلکه

بهر ضرر آنراست که امیری و وزیرشان بدل بهتری
و اسیری میشود زهر طرف که شود کشته سود کفار است
البصره از اینکار نمیرد. جناب آقا که باسم دلسوزی دین
گروهی اجامر و اوباش و بیچاره عوام را کرد خود
جمع کرده و ادبناه میگوید کدام حکم خلاف شرع
سزده کدام قانون ناحق مجری شده این دین
المرور تازه پیدا شده یا از قدیم بود آیا در این هشتاد
ساله عمر که کردی تمام این حرکات و افعال حکام
و امرا مطابق شرع شریف بود و حال نیست که
قرینت بلند شده یا برای اینست که دکان نمخته میشود
عیکر نمیشود حکم بناحق کرد دیگر نمیتوان
تستوه گرفت از ظلم حمایت کرد قانون عدالت و شرع بمساوات
عزیمه جاریست اگر بعد از این فلان کلاه نمیدر ابواسطه
عمل قیچی مجازات دهند جناب آقا و آقا زاده هم که
حرکت آن عمل شدند سیاست میشوند اگر میخواهی
جوگیری کسی که مبدا بعد فساد در دین پیدا شود
بیت خیال واهی بر تا با عرض قضا قبل از جنایت
یعنی چه حکم بکشتن مسلمانان چرا کافر خواندن مسلمان
باعتقاد بر دین مبین یعنی چه آیا دلسوزتری از تو بحال
اسلام در ایران و عربستان نیست؟ آیا پیشوائی بالاتر
نیست اگر حمایت اسلام را میکنی و دلت برای دین
میوزد چرا میخواهی علم اسلام را بزور منات طلای
تیکران بر با کنی آیا بیگانگان پول میدهند که شما
صرف رواج اسلام کنید

تخت اگر بقدر جوی دلش بحال اسلام میسوخست و غصه
تاریک اسلام و مسلمین را میخورید و اینگونه که از
المرق بانضمحلال این دین مبین و این یکمشت مسلمان
گریستند خبر داشتید هرگز این فتنه و فساد را بین
مسلمانان بیانمیکردید چرا خبر نداشتید بهتر از همه میدانید
بیت بخدا جز صرفه خود چیز دیگر ملاحظه نمیکند
بصاحب شریعت دلتان بحال اهل اسلام نمیسوزد در بند
چیه متفعت خود میبایستید سبحان الله انسان خود را
بیتوائی مسلمانان دانه هشتاد سال متجاوز عمر کرده
بیت بایش لب کور رسیده باز طمع نفس امارا و
بیت بیلون تکاب هزار گونه بی شرفی که تمام توهین اسلام
بیت خرابی مسلمین باشد و باعث سستی عوام بدین وطنه
بیت گنگان با این کرد سهل است خجالت نکند و این
بیت عورا باسم مسلمانان و دلسوزی باسلام بیا کند بعد
بیت اینکه همه جا تیرش بسنگ خورد و تدریش اثر نکرد
بیت سواى خاص عام کشت و همه خلق سوء نیتش را
بیت میدند باز از با نشینند و علمدار قاطرچی شود دیگر
بیت سوز تراز برای اسلام قومی از اینها بالاتر نبود چگونه کسی

کمال پذیرائی شده تشکر و امتنان زیاد از آقایان حجج و وکلاء نسبت با اقدامات ایشان بعمل آمد و گفته شد که چون انشاء الله بصلح و مسالمت گذشت و امید است که آنچه نواقص مانده آنها ترمیم شود خوبست بعد از رفع خستگی و کسالت مراجعت نمایند قاضی از طرف حضرات مجاهدین نطقی که مبنی بر همراهی و مساعدت و جان فشانی و بذل اموال و نفوس بود نمود و اینکه در هر موقع که لازم باشد تمام افراد و اهالی این مملکت خاصه اهالی قزوین که حضرات نمایندگی از طرف آنان دارند با تمام قوی در حفظ اساس مقدس مجلس حاضرند اظهار شد که خوبست بعد ها بر خلاف سابق وقت و ترتیب کارهای مجلس مرتب و بر وفق نظامنامه باشد

گفته شد که ظهیر السلطان و اجودان باشی با چند نفر دیگر میخواهند که همیشه در خدمت بمجلس و نایل شدن به نشان و امتیازی از طرف آن و ریاست تفنگداران و سر بازان جدید که از برای مجلس معین میشوند مفتخر باشند گفته شد که مجلس و ملت از خدمات و زحمات ایشان و سایرین متشکر و ممنون میباشند و البته در صورت نظم و ترتیب سر بازان نشان افتخاری داده خواهد شد

اظهار شد که قبول این کابینه مشروط بود با اجرای آن شروط صلح و تا آن شروط اجری نشود این کابینه بسمت کابینه شناخته نمیشود و دیگر اینکه تمام ولایات را مجلس میتواند امن کند فقط بمجازات و تنبیه دو نفر اشرار و هر گاه این اشرار مجازات نشوند این انقلاب ولایات ساکن نخواهد شد و مالیات هم بلا وصول خواهد ماند جمعی تصدیق و تایید و اظهار همراهی نمودند بعضی اظهار داشتند که باید بوزر امهلت داد و با ایشان همراهی و تقویت نمودار برای وصول مالیات و تسکین ولایات (مجلس ختم شد)
(خلاصه اخبار خوی و ماکو)

بعد از آنکه تعدیات خوازم ماکو از اندازه خارج شد مراتب را بعرض اولیای دولت رسانیده بر حسب حکم جناب نظام الملک اردوی دیوانی عبارت از چهار صد نفر سرباز و دو عراده توپ در قریه راذیه سکمن آباد تشکیل یافته از بیست و هشتم ربیع الثانی تسلیم شعبان بدفاع آکراد و اشرار مشغول بودند تا نیمه ماه رجب جمعیت اشرار زیاد شده اطراف را جاییده و غارت کردند مجدداً سوار چلیانلو و جمعی از ملت بارود ملحق شده اخذ داد خان سرتیب فوج دهم که بجهت رسانیدن آذوقه و مراجعت میرزا جعفر مجاهد بارود رفته بود بمحض ورود آکراد

که ادعای اسلام میکند و بخشر و نشر معتقد است این گونه در ضرر عباد و تخریب بلاد میکوشد باین خبت طینت ادعای اسلام یعنی چه بخدا اینگونه شخص را

((بانی انت گویدش ابلیس))

((که بخرب دین و راکمک است))

جناب آقا اگر چه این ضرر شما بملک و ملت و این خونهای ناحق که بکمک شما ریخته شد اسباب غیرت و اتباه اهالی مملکت شد (عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد) این انقلابات چند روزه بهمه عالم قهماند که اهل ایران از وضع و شریف پیدار شده اند و از حقوق خود خبردار لذت استقلال و آزادیرا چشیده و معنی شرف من را دانسته اند قومیت خود را بهیچ چیز از دست ندهند و در حفظ استقلال دولت خود تا آخرین قطره خون خود را فدا نمایند و این اتفاق و اتحادیرا که در عرض دوروز سی کرور نفوس صدا صدای هم پیوسته داد مردی و مردمی دادند هیچ قوم نتواند جلو گیری نمود حالا ملت دانستند این کوهر متنمود و نعمت آزادیرا که ارزان بیچنگ آورده اند ارزان نباید از دست داد باید با کمال جد و جهد در حفظش کوشید و در نگهداریش از جان و مال دریغ نداشت و آئی از حراستش غفلت نمود که دزدان در کمینند و وهزنان کوشه نشین و نیز مزید معرفت عامه در حق آقایان کردید ولی باینکه کفرورا در حق ما پیش از وقت گفته اید و سالهاست چپاق تکفیر شما را ما خوردیم باز بمقتضای مسلمانان یا بقول شما بسبب کفر خودمان آنچه اسباب بیداری عامه مسلمین و برادران دینی و وطنی خودمان است مخصوصاً برادران کلاه نمدی و عوام که شما میل دارید بجهل و کوری باقی باشند و پیروی شما را نمایند میگوئیم و معنی علم و علم را موافق شرع شریف بیان میکنیم تاخیر از طیب و صحیح از سقیم شناخته شود و با شتابه عوض راه بچاه نیفتند

(خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری پنجمه ۲۰ ذیقعد)

امروز قریب صد نفر سوار در دو ساعت مانده بتروب از مجاهدین قزوین برای جان نشاری و فدا کاری در راه حفظ اساس مشروطیت و مجلس دار الشوری من با جمع کثیری از مستقبلین و مجاهدین عموم انجمنهای متوقفه در مدرسه سپهسالار و عموم ملت بایده و دبدبه و هیئته عظیمی وارد عمارت بهارستان شده و از انجا بعد از گذشتن از سان و دقیقه دادن در جلو و کلاه و حاضرین و اظهار جان نشاری نمودن عده از رؤساء و بزرگان ایشان بتجلس محترم آمده در موقع انعقاد مجلس از ایشان

فرماید کمسیون هنوز با رومیه نرسیده اند بعد از ورود آنچه شد عرض می نماید

﴿اعلان و تبریک ورود﴾

جناب مستنطاب آقا میر طاهر آقا اردبیلی سلمه الله تعالی که از مؤسسين مشروطيت و در اردبيل در اشاعه کلمه مقدسه مشروطه زحمات فوق الطاقه را متحمل و از جور مستبدین بمشهد مقدس رضوی علیه آلاف التوجه والتنا مشرف چند روز است وارد طهران در محله شاه آباد در خانه میرزا آقاخان منزل فرموده مقدم شریف ایشان را تبریک می گوئیم و همواره تأیید انشای نامه مینمایم

﴿اعلان﴾

خیابان ناصریه اداره جریده رهنا که کتابخانه صداقت آمیرزا محسن تبریزی است تفسیر ایات الولاية و لونی چهار دهم و کتاب فارسی عربی ترکی توتون سیکارت رشت بقیمت مناسب فروخته میشود کتابچه کسر حقوق نیز موجود است قیمت شش هزار است

﴿اعلان﴾

در نمره ۱۸۹ ضمن وقایع طهران که اسم چند نفر خستین درج شده بود منجمه مجل است و چون مجل السلطان پسر آقای امین النظاره یکی از وطن پرستان و مشروطه طلبان است و سائلهاست بدولت و ملت خدمت میکند لهذا عرض میکنم اشتباه اسمی نشود

﴿اعلان﴾

انجمن مظفری موافق اصل بیست و یکم از متمم قانون اساسی در جنب بهارستان تأسیس شده محض تحصیل اتحاد و یگانگی و اظهار ملیت کامله نظام نامه خود را بتامی انجمن ها فرستاده بهسوم افراد غیور ملت دوست اعلان میدارد هر کس مایل بعضویت باشد پذیرفته خواهد شد

﴿اعلان﴾

هر کس از تمرهای قدیم یا جدید بستخانه ایران داشته باشد باطل یا باطل تمرهای شاهی یا قرانی یا توهانی هر جور باشد خریدار میشود در حجره ایشان سید عبدالرحیم کاشانی سرای امیر

﴿اعلان﴾

مدرسه فلاحه دولتی واقعه در نکارستان از سه ساعت قبل از ظهر تا چهار بعد از ظهر مفتوح و برای پذیرفتن شاگرد مجاناً حاضر است — شرایط پذیرفته شدن شاگرد: سن کمتر از پانزده نباشد و مقدمات حساب و جغرافیا را نایک اندازه دیده باشد

(حسن الحسینی الکاشانی)

باردو هجوم آور شده بنسای قتال را میگذارند بواسطه قلت عدده تاب مقاومت نیاورده سرتیب مزبور کاغذی به نعمت الله خان سرکرده کرا نوشتند و اظهار مسالمت مینمایند کاغذ را سیدی برده جواب میاورد که باید خود سرتیب نزد من آمده تا من ترک مقاومت گویم سرتیب را برده نزد خود و از قول او بار دو ادم فرستاد که ترک سلاح نماید پس از اطمینان اشرا را یک مرتبه هجوم آور شده بسیار را مقتول و قریه را ذیه و آتش زده خاکستر میکنند پس از قتل زن و مرد بقیه السیف را عربان کرده نزد سرکرده اشرا را میرند مشارالیه اشرا را بطرف ماکو حرکت داده میرزا جعفر مجاهد را با کمال مظلومیت در قریه اقبولاغ مقتول و بقیه را بتاکو میرد شدت اذیت آنها را حجت اسلامیت مانع از تحریر است بعد از سه روز از ورود اشرا را اقبال السلطنه بحضور اظهار تهدیدات بیشمار میکنند اسمعیل شکاک که از اکراد است دلش بحال آن بیچاره کن سوخته شفاعت مینماید بعد از آنکه بیست و هفت روز محبوس بود جناب آقا میرزا آقای مجاهد اصفهانی ایشانرا متخلص نمودند در واقع این دو بین مقاومت و اسارت بود که در مذهب اسلام واقع شد و در انظار خارجه موجب روسپاهی عموم مسلمین گردید

﴿ایضا اخبار خوبی﴾

بعد از عمه مصیبات و مظلومیت اهالی جناب سالار ارفع حکمران وارد و در شهر و اطراف امنیت حاصل شد محض ورود حکم بناسیس مجلس عدلیه نمود از حسن همراهی ایشان عموم متشکرند از روی احتیاط بمرض عارضین رسیدگی مینمایند امید که بهسین زودبها در عمل نان مذاکره شده عموم خلق آسوده و دعا گو باشند

﴿خلاصه راپرت ارومیه﴾

عساکر عثمانی هر جزا که از دهات ارومیه تصرف کرده اند ابتدا خیال عودت ندارند بلکه روز بروز خیال پیش آمدن دارند بهردمی که میل دارند با کمال اطمینان آمده و میگویند مال ماست دیگر کسی قدرت منع ندارد این قدرت در احدی دیده نشده مگر آنکه محمد بك که از يك زادگان دشت میباشد عساکر تمام خانه و ملکش را ضبط کرده و خود محمد بك در یکی از دهات اطراف شهر ساوا کرده سی نفر عساکر مسلح بعزم گرفتن می آیند شبانه وقتیکه خبر میشود آنها بازنش می نفر عساکر را بضر بکاوله تا معسکر فرار میدهند چند روز قبل بانوای چند نفر دکا کین را می بندند و نواب امامتی میرزا حاکم ارومیر از شهر خارج کرده اند از این سبب در شهر و اطراف امنیت نیست خداوند رحم